

# روان‌شناسی تربیتی

مدرس : میثم عزیزآبادی



## طبقه بندی هدف های آموزشی :

می دانیم که هدف از آموزش ، کمک به **ایجاد یادگیری** در دانش آموزان و دانشجویان است . به همان نسبت که یادگیریها متنوع هستند ، هدف های آموزشی هم گوناگون اند .

وجود هدف های متعدد آموزشی در سطوح مختلف تحصیلی ، نیاز به نوعی سازمان و نظم و ترتیب دارد . که ما در این فصل یکی از طبقه بندی های معروف هدف های آموزشی که به طبقه بندی بلوم شهرت یافته است می پردازیم .

# طبقه بندی هدف های آموزشی بلوم :

در این طبقه بندی ، هدف های آموزشی ابتدا به سه حوزه یا حیطه با نام های :

**حوزه شناختی** ، **حوزه عاطفی** و **حوزه روانی - حرکتی**

تقسیم شده اند که هر حیطه نیز شامل تعدادی طبقه است .

**حوزه شناختی :** دانش و معلومات و توانایی ها و مهارت های ذهنی را در بر می گیرد .

**حوزه عاطفی :** با علاقه ، انگیزش ، نگرش یا قدردانی و ارزشگذاری سروکار دارد .

**حوزه روانی - حرکتی :** به فعالیت هایی که بیشتر جنبه جسمانی دارد ، مانند تایپ کردن ، ورزش ، و انجام دادن مشاغل مه به مهارت های گوناگون نیاز دارد ؛ مربوط می شود .

## حوزه ( حیطه ) شناختی :

دانش ، معلومات و تواناییها و مهارت های ذهنی را در برمی گیرد . بنابراین به وضوح پیداست که بخش اعظم فعالیت های آموزشی معلمان و کوشش های یادگیری دانش آموزان ، به حوزه شناختی ارتباط دارد .

به چند نمونه هدف کلی آموزشی از حوزه شناختی برای درس روان شناسی تربیتی توجه کنید :

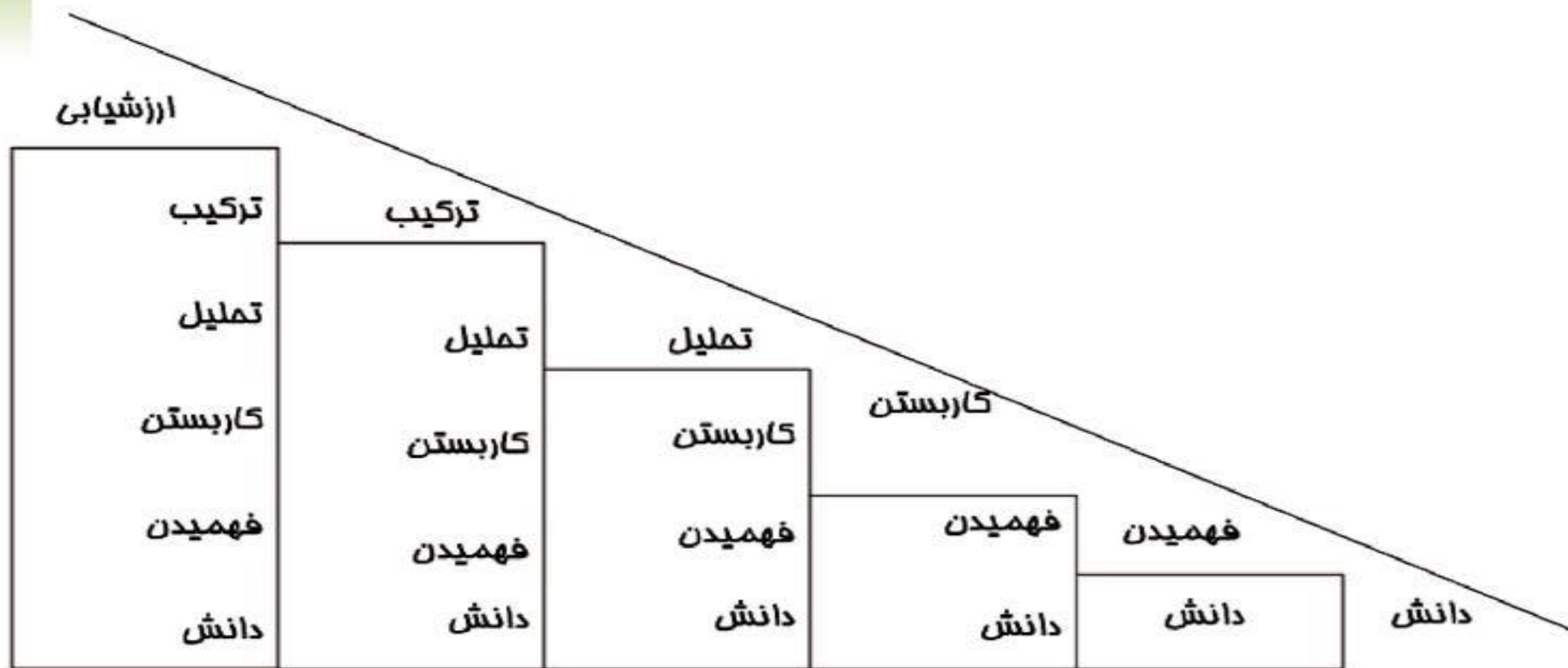
از دانشجویان روان شناسی تربیتی انتظار می رود که در پایان دوره آموزشی بتواند :

۱- اصول و قوانین روان شناسی یادگیری را در طراحی فعالیت های آموزشی خود مورد استفاده قرار دهد .

۲- روشها و فنون گوناگون آموزشی را متناسب با هدف های مختلف آموزشی نقد و بررسی کند .

حیطه شناختی دارای تعدادی طبقه ( مطابق تصویر اسلاید بعدی ) است .

# طبقه بندی هدفهای آموزشی شناختی توسط بلوم



نمودار طبقه بندی هدفهای آموزشی (موزه شناختی)

چنانچه در این شکل پیداست ، پایین ترین طبقه این حوزه ، طبقه دانش است که زیر بنای پنج طبقه دیگر به حساب می آید . طبقه بعدی ، طبقه فهمیدن است که بر طبقه دانش استوار است ؛ اما خود این طبقه برای طبقات بعدی : کاربرستن ، تحلیل ، ترکیب و ارزشیابی زیر بنا محسوب می شود . به همین منوال ، **رابطه سلسله مراتبی در مورد طبقات دیگر نیز صادق است .**

برای تعیین سطوح مختلف هدف های آموزشی ، باید هر هدف را در بالاترین طبقه قرار داد . آگاهی از طبقات طبقه بندی هدف های آموزشی ، معلم را با سطوح مختلف هدفها و انواع یادگیری ها آشنا می کند و به او کمک می کند تا هدف های آموزشی متنوع تری تهیه کند و از تکرار هدفها جلوگیری به عمل آید

۱- **دانش** : شامل یادآوری ( بازخوانی و بازشناسی ) امور جزئی و کلی ... در واقع دانش عبارتند از حفظ و نگهداری ذهنی مطالبی که قبلاً آموخته شده است .

تعریف کردن اصطلاحات علمی ، بیان معانی ، گفتن وقایع مهم تاریخی ، بیان قواعد و قوانین معاشرت در فرهنگ های مختلف و ....

۲- **فهمیدن** : یعنی درک مطالبی که فرد از آن طریق در می یابد که هدف اصلی مطلب مورد نظر چیست . در واقع فهمیدن یک مرحله بالاتر از دانش است . زیرا در دانش از یادگیرنده صرفاً خواسته می شود که مطالبی را که قبلاً آموخته است ، بدون دخل و تصرف زیاد در آن ، به یاد آورد ؛ اما در این طبقه ، یادگیرنده علاوه بر از برکردن مطالب باید آنها را بفهمد

مانند : توانایی برگرداندن مطلبی به شکل خلاصه ، بیان نتیجه گیری درست از اطلاعات ، توانایی پیش بینی یا برآورد اقدامات

۳- **کاربرد** : استفاده از مطالب انتزاعی ( اندیشه های کلی ، قواعد اجرایی و .. ) در موقعیت های عینی و عملی

مانند : توانایی استفاده از اصول و قوانین یادگیری در آموزش کلاسی ، توانایی استفاده از محاسبات ریاضی در موقعیت های عملی زندگی

۴- **تحلیل** : یعنی شکستن یک مطلب یا یک موضوع ، به اجزا یا عناصر تشکیل دهنده آن

مانند : توانایی تشخیص واقعیت ها از فرضیه ها ، توانایی تشخیص فرضهای بیان نشده در یک مطلب ، توانایی تشخیص روابط علت و معلولی از سایر روابط ، توانایی تشخیص دیدگاهها

۵- **ترکیب** : کنار یکدیگر گذاشتن عناصر و اجزا ، برای ایجاد یک کل یکپارچه و تولید طرح یا ساختی که قبلاً بدین شکل وجود نداشته است .  
مانند : تولید یک اثر بی همتا و منحصر به فرد ، توانایی نوشتن داستان ، مقاله یا شعر ، توانایی طرح ریزی یک طرح آموزشی برای تدریس

۶- **ارزشیابی** : یعنی توانایی قضاوت درباره یک اثر

مانند : قضاوت درمورد آثار ادبی و علمی ، توانایی نشان دادن اشتباهات منطقی یک بحث ، توانایی مقایسه و ارزیابی نظریات



## حوزه ( حیطه ) عاطفی :

حوزه عاطفی با علاقه ، انگیزش ، نگرش یا قدردانی و ارزشگذاری سروکار دارد . برای مثال : وقتی معلم از این بابت نگران است که یکی از دانش آموزان او علاقه ای به درس حساب ، یا زبان خارجی ، یا فیزیک و ... نشان نمی دهد ، این نگرانی او به حوزه عاطفی مربوط می شود .

سطوح یادگیری در این حیطه به پنج طبقه تقسیم می شوند:

- ۱- دریافت و توجه کردن
- ۲- پاسخ دادن
- ۳- ارزش گذاری
- ۴- سازماندهی ارزش ها
- ۵- تبلور ارزش های سازمان یافته در شخصیت

◦ ۱- دریافت و توجه کردن : در این مرحله دانشجو نسبت به یک موضوع حساس شده و موضوع توجّه دانشجو را به خود جلب می کند.

مثال : فراگیر با دقت به رویدادهای سازمان توجه می کند.

◦ ۲- پاسخ دادن : در این مرحله دانشجو علاوه بر توجّه، نسبت به موضوع واکنش نشان داده و با آن درگیر میشود.

مثال: فراگیر در مورد عدالت اجتماعی علاقه نشان داده و در مورد آن مطالعه می کند.

◦ ۳- ارزش گذاری : در این سطح از حوزه عاطفی، دانشجو برای موضوع یا پدیده مورد نظر ارزش و احترام قائل می شود.

مثال: فراگیر در مورد لزوم گسترش عدالت اجتماعی در جامعه خود را مسئول می داند.

◦ ۴- سازماندهی ارزشها : در این سطح از حوزه عاطفی دانشجو یک سازمان ارزشی را ایجاد کرده و برای موضوع یا پدیده مورد نظر یک جایگاه تعیین می نماید.

مثال: فراگیر نیاز به موازنه بین آزادی و مسئولیت اجتماعی را تشخیص می دهد ( دفاع می کند )

◦ ۵- تبلور ارزش های سازمان یافته در شخصیت : در این مرحله ارزش یا مجموعه ای از ارزش ها در رفتار فرد انعکاس دائم پیدا می کند و در شخصیتش متبلور و جزء فلسفه زندگی او می شود.

مثال : فراگیر در موقعیت های مختلف متناسب با نظام ارزشی خود ( عدالت خواهی ) عمل می نماید

# حوزه ( حیطة ) روانی – حرکتی :

به فعالیت هایی که بیشتر جنبه جسمانی دارد مربوط می شود .

تفاوت عمده هدف های این حوزه با هدف های حوزه شناختی در این است که هدف های حوزه شناختی صرفاً به فعالیت های ذهنی ختم می شود ؛ اما هدف های حوزه روانی – حرکتی هم به فعالیت های ذهنی و روانی و هم به فعالیت های جسمی نیاز دارد .

که سطوح زیر را دربر می گیرد:

- ۱- مشاهده و تقلید
- ۲- اجزای عمل بدون کمک
- ۳- دقت در عمل
- ۴- هماهنگی حرکات
- ۵- عادی شدن عمل

○ ۱- مشاهده و تقلید : در این مرحله فراگیر به مشاهده رفتار مربی ، که مشغول انجام مهارت مورد نظر است می پردازد.

مثال: فراگیر بتواند عملکرد دستگاه سانتریفوژ را مشاهده نماید.

○ ۲- اجرای عمل بدون کمک : در این مرحله میزان وابستگی فراگیر به مربی بسیار ناچیز است و نیازی به یاری مستقیم مربی نیست.

مثال: فراگیر بتواند در طی کار گروهی شیوه های مختلف آموزشی را با حضور مربی ایفای نقش نماید.

○ ۳- دقت در عمل : در این مرحله فراگیر کار را با دقت ، سرعت و ظرافت انجام می دهد و توانایی کنترل اعمال خود را برحسب نیازها پیدا می کند.

مثال : فراگیر بتواند تست های تشخیص بروسلوز را انجام دهد.

○ ۴- هماهنگی حرکات : یعنی برقراری هماهنگی بین مجموعه ای از اعمال با رعایت نظم و کارایی لوازم.

مثال : مقدمه ای بر آمار توصیفی بنویسد.

○ ۵- عادی شدن عمل : در این مرحله فراگیر به طور خودکار به انجام دادن کارهای دقیق و موزون عادت می کند.

مثال: فراگیر بتواند حل مسئله معادله دو مجهولی را صحیح و در زمان مناسب انجام دهد.